

رویای نوشتن

نویسندگان معاصر از نوشتن می‌گویند

- جرج پلیمپتن • گابریل گارسیا مارکز
- وودی آلن • پی. دی. جیمز
- اسماعیل کاداره • وی. اس. نایپل
- طاهر بن جلّون • ژوزه ساراماگو
- سیمون دوبوار • پل آستر
- آیزاک باشویس سینگر • اورهان پاموک
- کازوئو ایشیگورو • ویلیام یور
- رابرت ژیرو

ترجمه مزده دقیقی

چانه‌کتاب

فهرست

- ۱۱ گفتگو با مصاحبه‌گر • گفتگو با جرج پلیمپتن
- ۳۳ سه روز با گابو • گزارشی از کارگاه روزنامه‌نگاری گابریل گارسیا مارکز
- ۶۷ هنر طنز و وسوسه نوشتن • گفتگو با وودی آلن
- ۹۱ ملکه جنایت • گفتگو با پی. دی. جیمز
- ۱۱۷ هنوز ۲۰۰۰ سال از عمر زمان باقی است • گفتگو با اسماعیل کاداره
- ۱۳۹ نوشتن رویای من بود • گفتگو با وی. اس. ناپیل
- ۱۶۷ نوشتن بدون زندگی کردن ممکن نیست • گفتگو با طاهرین جلون
- ۱۸۹ ادبیات جمعیت دنیا را زیاد می‌کند • گفتگو با ژوزه ساراماگو
- ۲۰۹ زندگی تیره و تار است، ولی آن را دوست دارم • گفتگو با سیمون دو بووار
- ۲۲۹ بیان حقیقت از طریق دروغ • گفتگو با پل آستر
- ۲۵۷ چیزی که بر ای شما «سیاه» است، بر ای من واقعی است • گفتگو با آیزاک باشویس سینگر
- ۲۷۹ نیاز به رنج تنهایی • گفتگو با اورهان پاموک
- ۳۰۷ داستان نوشتن کار ساده‌ای است • گفتگو با کازونو ایشی‌گورو
- ۳۴۱ ترجمه یک هنر نمایشی است • گفتگو با ویلیام یور
- ۳۶۹ خاطرات و خطرات نشر • گفتگو با رابرت زیرو

گفتگو با مصاحبه‌گر

گفتگو با جرج پلیمپتن، سردبیر پاریس ریویو

آمارى در این زمینه وجود ندارد، ولی جرج پلیمپتن، سردبیر پاریس ریویو، احتمالاً مشهورترین سردبیر مجله‌های ادبی انگلیسی زبان است. کمتر سردبیری به اندازه پلیمپتن برای رونق نشریات ادبی و ارتقای وجهه‌شان تلاش کرده است. این نشریه و این فرد نه تنها از نظر شهرت به هم گره خورده‌اند، بلکه در کنار هم در آپارتمانی در شمال منطقه شرقی منهتن زندگی می‌کنند؛ این همزیستی نشان‌دهنده مرز نامشخص کار و هنر است، و نبوغ عاری از نظم بسیاری از بانیان فعالیتهای ادبی غیرتجاری. زندگی جرج پلیمپتن عمدتاً بر دفاع از ادبیات و فرهنگ عمومی متمرکز بوده است. حتی در مورد فعالیتهای کمتر ادبی‌اش — که شهرتش را بیشتر مدیون آنهاست (تبلیغات، ایراد سخنرانی، ورزش حرفه‌ای) — این‌طور به نظر می‌رسد که انگیزه اصلی او میلی وافر برای ثبت تجربه بر کاغذ باشد. تحرک اساس شخصیت پلیمپتن است؛ شاید «سردبیر اجرایی» عنوان مناسبی برای این ترکیب دوگانه ادبی باشد. پاریس ریویو چهل و پنج سال به‌طور پیگیر به انتشار ادبیات داستانی

سه روز با گابو

سیلوانا پاترنوسترو^۱

گابریل گارسیا مارکز، نویسنده صدسال تنهایی، برنده جایزه نوبل و روزنامه‌نگار پیشین، که نگران وضعیت روزنامه‌نگاری در آمریکای لاتین است، در مارس ۱۹۹۵ آموزشگاهی تأسیس کرد که خود آن را «مدرسه بدون دیوار» می‌خواند: بنیاد ژورنالیسم تو ایبرو-آمریکایی. هدف این مؤسسه احیای ژورنالیسم در این منطقه از طریق کارگاه‌های سیار است. او معتقد است آنچه در این زمینه تدریس می‌شود و به مرحله عمل درمی‌آید نیازمند نوسازی فوری است و شکایت دارد که روزنامه‌نگارهای امروزی بیشتر به خبرهای داغ و مزایای جنبی کارت خبرنگاری علاقه نشان می‌دهند تا به خلاقیت و اخلاق. او می‌گوید: «آنها افتخار می‌کنند که می‌توانند یک مدرک محرمانه را سرورته خوانند، اما نوشته‌هایشان مملو از اشتباهات دستوری و املائی است و عمق ندارد.» گارسیا مارکز در مطلبی به مناسبت افتتاح این مؤسسه نوشت: «آنها بر این مبنا کار

نمی‌کنند که بهترین گزارش آن گزارشی نیست که اول چاپ می‌شود، بلکه گزارشی است که بهتر بیان می‌شود.»

گارسیا مارکز به شیوهٔ برخورد دانشگاهها و ناشران روزنامه‌های امریکای لاتین با این حرفه — که به نظر او بهترین حرفهٔ دنیاست — معترض است. با این موضع آموزشگاههای تخصصی که «روزنامه‌نگار هنرمند نیست» مخالف است و اعتقاد دارد که روزنامه‌نگاری مکتوب «یک فرم ادبی» است. در ضمن علاقه دارد صاحبان روزنامه‌ها را متقاعد کند که کمتر در زمینهٔ تکنولوژی سرمایه‌گذاری کنند و بیشتر به تربیت نیرو بپردازند.

بنیاد گارسیا مارکز، که مقر آن در بارانکییا^۱ی کلمبیاست، به کمک یونسکو در کمتر از دو سال بیست و هشت کارگاه ترتیب داده است که ۳۲۰ روزنامه‌نگار از یازده کشور در آنها شرکت کرده‌اند. موضوع این کارگاهها متفاوت بوده، از تدریس تکنیکهای روایی گزارش مطبوعاتی، رادیویی و تلویزیونی گرفته تا بحثهایی در زمینهٔ اخلاقیات، آزادی مطبوعات، گزارشگری در شرایط خطرناک، و چالشهای تکنولوژی جدید برای این حرفه. در این کارگاهها، متخصصان شناخته‌شده تدریس می‌کنند و مخاطب آنها نسل جوانتر روزنامه‌نگارهای ترجیحاً زیر سی سال است که دست کم سه سال تجربه داشته باشند. هرچند مقر این بنیاد در کلمبیاست، این کارگاهها در اکوادور، ونزوئلا، مکزیکو و اسپانیا نیز تشکیل شده است. محور برنامهٔ درسی این بنیاد کارگاه سه روزهٔ گارسیا مارکز دربارهٔ گزارش‌نویسی است.

به عنوان خبرنگار آزادی که به زبان انگلیسی دربارهٔ امریکای لاتین می‌نویسد، تقاضا کردم در این کارگاه شرکت کنم و در پنجمین کارگاه او پذیرفته شدم. آن قدر برای ملاقات با مارکز هیجان داشتم که من، که همیشه برای هر کاری دیر حاضر می‌شوم، اولین نفر بودم که به مرکز فرهنگی اسپانیا در کارتاخنا رسیدم؛ ساختمان دو طبقهٔ نوسازی شده و زیبایی با بگونهای قرمز و فواره‌ای وسط حیاط که به دولت اسپانیا تعلق دارد. محیطی مناسبتر از این ممکن نبود. کارتاخنا خانهٔ گارسیا مارکز است و بسیاری از شخصیت‌های داستانهایش از خیابانهای سنگفرش و باریک مرکز مهاجرنشین این شهر